

# دیدگاه اسلام در خشونت علیه زن

نویسنده: مولوی لعل محمد (تیموری)<sup>۱</sup>

## چکیده

مفهوم و معنی خشونت در سرزمین ما سرگزشتی دراز دارد؛ زیرا کشوری است که از دیرباز توسط روحیه قبیله‌یی اداره می‌شده است و تعیین سرنوشت افراد توسط نظام سنتی خانواده‌گی مشخص می‌شده، یا بهتر بگوییم در اکثر قریب به اتفاق اوقات سرنوشت هر فرد توسط بزرگ قوم و یا کلان خانواده رقم می‌خورده است. پس به خودی خود هویدا می‌گردد که اگر فرد در قبال سرنوشت خویش از خود واکنشی نشان می‌داد که خلاف میل نفر اول خانواده یا بزرگ قوم می‌بود لابد به برخورد سختی مواجه می‌شد خصوصاً اگر این فرد زن بودی واکنش وی به اندازه انفجار یک بمب آتش‌زا فضای خانواده را به لرزه در می‌آورد؛ چون مسئله ننگ و عار خانواده‌گی مطرح می‌شد. در چنین قضایای در بسی موارد به لت و کوب و معروح شدن زن می‌انجامید و شاید هم در برخی موارد مرگ زن هم عادی به نظر

---

۱. فوق لیسانس فلسفه‌ادیان از دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام آباد-پاکستان. استاد فلسفه و معارف اسلامی مؤسسه تحصیلات عالی غالب و همکار مؤسسه تحصیلات عالی الغیث هرات. آدرس ایمیل: teimouryl@gmail.com. شماره تلفن ۰۷۹۸۱۴۲۰۷۱

می‌رسید!

آنچه درین مقال ما در صدد آن هستیم، معرفی خشونت در جامعه ما و خصوصاً خشونت علیه زن است، که در فرهنگ پیشینه افغانی ما زن مظلومی بدون رأی و نظر شناخته شده است. **کلید واژه ها:** خشونت، واکنش، درشتی، عکس العمل، نزاع، خشونت خانواده‌گی، خشونت ذاتی، خشونت فیزیکی.

#### مقدمه

بارزترین حوادث تلخ و درد آور زمان ما خشونت و برخورد های خشن است که جوامع انسانی خصوصاً کشورهای جهان سوم را گرفتار دارد. سازمان‌های بین المللی، به ویژه سازمان عفو بین الملل، سالانه گزارش‌های سر سام آور و رنج‌آوری را به نشر می‌رسانند. در اکثر این گزارش‌ها، بیشترین قربانی‌های برخوردها و حوادث تلخ انسانی را کودکان و زنان تشکیل می‌دهد. گرچه این گزارش‌ها مشتمل نمونه خروار است و هرگز همه حوادث را شامل نمی‌گردد. شاید اغراق نباشد که بگوییم در کشور ما تنها ده درصد خشونت‌هایی که علیه زنان و کودکان رخ می‌دهد، گزارش می‌شود، آن هم تنها در شهر هایی که از سواد نسبی و فهم اجتماعی بی بهره نیستند.

نزاع‌های خانواده‌گی که معمولاً به خشونت می‌انجامد در همه جهان، حتی در پیشرفته ترین کشورهای جهان، رخ می‌دهد. تنها نقطه‌یی تمایز این است که در کشورهای توسعه یافته قانون جا افتاده است و مردم با حاکمیت قانون آشنا و انس گرفته اند. بناءً قانون از قربانیان خشونت حمایت می‌کند؛ دولت‌ها نیز مسئولیت قانونی خود را انجام می‌دهند؛ بر علاوه نهاد های مدنی قوی نیز وجود دارد که به طور ختسه‌گی ناپذیر برای کاهش برخوردهای خانواده‌گی و اجتماعی خشونت آمیز مبارزه پیگیر می‌نمایند؛ اما بدبخت کشورهای سنتی و بسته‌یی اند که زنان و کودکان آن‌ها هیچ پناه گاهی در مقابل خشونت‌ها ندارند؛ نه قوانین دقیقی وجود دارد و نه هم مردم به تطبیق قانون عادت دارند و نه هم جوامع مدنی تجربه و توانانی کافی دفاع از حقوق طبقات بی پناه جامعه، زنان و کودکان را دارند.

البته خشونت به معنی برخوردهای انسانی‌یی که سبب آزار و اذیت روانی و جسمی انسان‌های دیگر می‌گردد، دارای انواع مختلف است و نیز اسباب و عوامل کثیری دارد که به

وسیله برخورد های خشونت آمیز علیه زن و یا طبقه‌یی که سنت ستمگر جامعه آن را ضعیف و کم اختیار و یا بی اختیار پنداشته است، انجام می‌گردد.

امید است درین بحث پیرامون خشونت علیه زنان، با بررسی انواع، اسباب، و عوامل خشونت بتوانیم موضوع را در پرتو نصوص اسلامی و تجارب جوامع انسانی پرورش داده، راه حل های درخور و مناسبی را عرضه کنیم تا این آسیب اجتماعی، که هم از سوی آموزه های اسلامی نکوهیده شده و هم از سوی نهاد های ملی و بین المللی دفاع حقوق انسان، از جامعه ما برچیده شود و یا حد اقل کاهش درخوری ایجاد گردد.

### خشونت از نگاه لغوی و اصطلاحی

خشونت در لغت به معنای درشت، صلب، زبر، زمخت، ناهموار، ناهنجار، فاقد نرمش، تندخو، نامهربان، فاقد لطافت، فاقد ظرافت، ناملایم، ضخیم، بی ادب، پرخاشگر، تند، تندخو، ستیزه جو، عصبانی، عنیف، سختگیر، ناخوشایند، خشک، درشتی، بد خلقی، بد رفتاری، تند مزاجی، ستیزه جویی، عصبانیت، سنگ دلی، نامهربانی و بی عطوفتی است. (رک: لغت نامه دهخدا، فرهنگ معین، فرهنگ واژگان مترادف و متضاد) معادل خشونت و خشن در منابع لاتین، این واژه‌ها را آورده اند:

Abrasive, abrupt, coarse, crass, crude, grim, gross, hard, hardhearted, Inclement, indelicate, Neanderthal, primitive, randy, rank, relentless, rough, rude, rust

در اصطلاح خشونت استفاده از زور فیزیکی به منظور قرار دادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواسته و میل شان است. در بسا اوقات خشونت به حیث یک ابزار بهر کنترل به کار برده می‌شود؛ مانند سرکوب اغتشاش‌ها در هنگام نگرانی از اجرای قانون. واژه خشونت طیف گسترده‌یی را پوشش می‌دهد که می‌تواند از درگیری فیزیکی بین دو انسان تا جنگ تمام عیار و نسل کشی را در بر گیرد. (<http://fa.wikipedia.org/wiki>) خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی یا غیر فیزیکی، فرد خشن خواست خود را بر دیگران تحمیل می‌کند. هرگونه رفتاری که با هدف وارد نمودن آسیب به یک یا بیش از یک پدیده صورت گیرد می‌تواند در تعریف ما از خشونت جای داشته باشد.

### خشونت از دیدگاه اسلام

خشونت عبارت است از سوء استفاده از قدرت در قالب عمل و رفتاری که توسط یک فرد یا افرادی انجام می‌پذیرد و فرد یا افرادی دیگر را در استفاده از حقوقی که اسلام بدان‌ها داده است محروم کند؛ که شامل حقوق مادی، معنوی، انسانی، طبیعی، روانی و اخلاقی انسان می‌باشد.

قبل از اسلام خشونت و سوء استفاده از قدرت و اختیارات به پیمانه وسیعی وجود داشت؛ زیرا آموزه‌هایی که از حضرت موسی (ع) و حضرت عیسی (ع) به جای مانده بود، اولاً که در اساس آموزه‌های ابدی و برای کافه بشریت نبود؛ بلکه تنها متعلق به ملت و زمان خاصی بود. ثانیاً، این آموزه‌ها عبارت از روایات و داستان‌های پراکنده‌یی بود که قابلیت یک سند دینی عقیدتی در آن دیده نمی‌شد؛ چون تورات بعد از حضرت موسی مفقود گردید و تقریباً بعد از دو سده دوباره توسط هاکام‌ها (علمای یهود نوشته شد و نیز بعد از حضرت مسیح انجیل، که به زبان آرامی نازل گردیده بود، مفقود گردید و آنچه فعلاً به نام انجیل در دست مسیحیان است تنها ترجمه مفهومی در هم و برهمی از آن به زبان‌های یونانی و لاتین باقی مانده است. پس سند دینی که جوامع انسانی بتوانند از آن به عنوان دستور الهی و قانون زنده‌گی استفاده کنند عملاً وجود نداشت؛ علاوه برین هر چند که مردم از عهد موسی و عیسی فاصله می‌گرفتند بیشتر رابطه دینی آن‌ها ضعیف و غرق در خرافات می‌شد. مسایل ازدواج و تعداد همسران یک مرد حد و حصری نداشت، در مسایل میراث بین زن و مرد هیچ سند قطعی نبود، در مسایل سیاسی، اجتماعی، تجاری و ... هیچ دستورالعمل درستی که شامل زنده‌گی بشر باشد وجود نداشت.

در نبود حکم شرعی قبل از اسلام، جوامع بشری در تعامل اجتماعی آکنده از برخورد های خشونت آمیز بود؛ به طور نمونه عرب جاهلی دختران خود را در کودکی زنده زنده به گور می‌کردند، زن حق میراث نداشت؛ بلکه خودش میراث دیگران بود، تبعیض نژادی بین انسان‌ها به معنی کامل وجود داشت. با آمدن اسلام همه این پدیده‌های منفی رخت بر بست و انسان چه مرد و چه زن، چه سیاه و چه سفید همه از کرامت انسانی برخوردار شدند و حتی خشونت علیه حیوانات ممنوع قرار گرفت. در تقبیح زنده به گور کردن زنان، خداوند فرمود:

«وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۱) «(تکویر: ۹)»<sup>۱</sup>

در تفسیر تبییض نژادی، خداوند فرمود:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (۲) «(حجرات: ۱۳)»

در تفسیر آزار دادن و میراث کردن زنان، خداوند فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ» (۳) «(نساء: ۱۹)»<sup>۲</sup>

خشونت‌های اجتماعی قبل از اسلام بیشتر زنان را در بر می‌گرفت. و می‌توان گفت که این قشر که نیمی از بدنه اجتماع را تشکیل می‌دهد، در حد اوسط ۹۰ درصد آسیب‌های خشونت آمیز جامعه را نصیب می‌گردید. اینجاست که اسلام درین زمینه بیشتر تأکید نموده است. خداوند می‌فرماید:

«...وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)»<sup>۳</sup>

در آیت فوق الذکر مردها مأمور به معاشرت - رفتار - نیک با زنان شده‌اند، معاشرت به معنی مصاحبت، استمرار در صحبت، دوام در همراهی، باهم زنده‌گی کردن، چشم پوشی از اشتباهات یکدیگر و باهم مدارا داشتن. معروف به معنی پسندیده، شناخته شده از نگاه عقلی، شرعی و عرفی.

در این آیت کلام الله مجید از مردها خواسته شده تا معاشرت شایسته با زنان را اساس زنده‌گی مشترک خود گردانند ولو که در حالات خاصی ممکن است مردها نسبت به همسران شان خوشبین نباشند؛ بلکه ناراض هم باشند. اسلام، نه اینکه خشونت را علیه زن که همسر و همکار مرد است، حرام گردانیده است؛ بلکه نیک رفتاری مرد با زنش را جزء کمال ایمان آن

۱. ترجمه: و آنگاه که از زن زنده به گور شده پرسیده شود که به چه گناه کشته شده است.

۲. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، روا نیست شما را که زنان را با زور میراث کنید، و زنان را در ننگنا قرار ندهید تا مال و میراث شان را تصاحب نمایید...

۳. ترجمه: با زنان معاشرت - رفتار - نیک داشته باشید، اگر آنان را پسندیدید، شاید شما چیزی را پسندید؛ اما خداوند دران خیر بسیار نهاده باشد.

قرارداده است. درین پیوند پیامبر (ص) فرموده است:

”إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا، وَخَيْرُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِكُمْ“<sup>۴</sup> (شعب الایمان، ب: حسن الخلق)

”من أكمل المؤمنين إيماناً أحسنهم خلقاً و ألطفهم بأهله“<sup>۵</sup> (مستدرک الحاکم، ک: الایمان)  
حدیث عائشه:

”عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ: مَا ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- أَحَدًا مِنْ نِسَائِهِ قَطُّ وَلَا ضَرَبَ خَادِمًا قَطُّ وَلَا ضَرَبَ شَيْئًا يَمِينُهُ قَطُّ إِلَّا أَنْ يُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...“<sup>۶</sup> (ابن حبان، ب: العفو)

از آن جائیکه تجاوز به کرامت انسانی و بد رفتاری با انسان در اسلام حرام است، این حرمت نسبت به زن بیشتر است. ازین زن چه مادر باشد یا خواهر و چه دختر باشد یا همسر؛ پیامبر اسلام (ص) نسبت به نیک رفتاری با زنان اوامر و ارشادات بس شاملی نموده اند که به وضوح اهمیت موضوع را نمایان و هویدا می گرداند.

رسول الله (ص) فرمودند:

”...اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ خَيْرًا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلْعٍ فَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ مِنَ الضِّلْعِ أَعْلَاهُ فَإِنْ ذَهَبَتْ تُقِيمُهُ كَسْرَتُهُ وَإِنْ تَرَكَتْهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ“<sup>۷</sup> (مسلم، ۱۳۷۴ ق، ب: الوصیه بالنساء)

پیامبر خدا (ص) گفته است:

”..ارْفُقْ بِالْقَوَارِيرِ“<sup>۸</sup> (النسائی، ب: الحدود فی السفر).

حضرت پیامبر ارشاد نمودند:

”خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي“<sup>۹</sup> (بن حبان، ب: معاشره الزوجین)

پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

”فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَإِنْ لَكُمْ

۴. ترجمه: کامل ایمان ترین مؤمنین خوش اخلاق ترین شان است، بهترین شما بهترین شما با زنان خود هستند.

۵. ترجمه: کامل ایمان ترین مؤمنین خوش اخلاق ترین و لطیف ترین با اهل خود است.

۶. ترجمه: حضرت عایشه فرمود: رسول الله هیچ یک از زنان خود را هرگز نزده اند، هرگز خادمی را نزده اند، و هرگز

چیزی را به دست خود نزده است؛ مگر اینکه جهاد فی سبیل الله بوده باشد.

۷. ترجمه: در حق زنان توصیه به خیر - خیر خواهی - کنید و بدیشان با رفق و مهربانی برخورد نمایید؛ زیرا زن از قبورغه -

پهلوی - آفریده شده است؛ کج ترین نقطه پهلوی بالاترین حصه آن است؛ اگر بخواهید راستش کنید می شکند و اگر رهایش

کنید همچنان کج خواهد بود. ۸- با شیشه ها- زنان- مهربانی کن.

عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُوْنَهُ فَإِنْ فَعَلْنَ فَاصْرَبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مُبْرِحٍ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ<sup>۱۰</sup> (بی‌هیقی: ب: حق المرأة علی الرجل). هم چنین در اسلام هیچ برتری بین انسان‌ها نزد خدا وجود ندارد؛ مرد و زن در انسانیت یکی هستند و برتری در تقواست.

الله متعال فرمود:

”يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ“<sup>۱۱</sup> (الحجرات: ۱۳)

حضرت رسول الله فرموده است:

”يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ عُبِّيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَتَعَاظَمَهَا بَابَائُهَا، فَالْنَّاسُ رَجُلَانُ: بَرٌّ تَقَى كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ، وَفَاجِرٌ شَقِيٌّ هَيْنٌ عَلَى اللَّهِ، وَالنَّاسُ بَنُو آدَمَ، وَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ“<sup>۱۲</sup> (بی‌هیقی، ب: شهادة اهل العصية)

تمام نصوص قرآنی و احادیث نبوی که گفته آمد پیام برین دارد که انسان‌ها از هرگونه خود بزرگ بینی و از هر نوع ستم و برخورد ظالمانه در مقابل یکدیگر، خصوصاً بر خود خشن غیر شرعی علیه زنان، پرهیزند.

### نحوه خشونت

خشونت در زنده گی انسان می‌تواند نحوه و زمینه‌های فراوانی داشته باشد. زمینه‌های خشونت را در زنده گی انسان‌ها گاهی ارزش‌های خانواده‌گی و فرهنگی می‌تواند تعیین کند؛

۹- ترجمه:..بهترین شما بهترین با اهل خود است و من بهترین شما با اهل خود هستم.

۱۰- ترجمه:..در باره زنان از خدا بترسید؛ چون آنها امانت خدا در نزد شما هستند؛ آنها را با کلمه [حکم] خدا حلال [نکاح] کردید. حق شما بر ایشان این است که کسی را که دوست ندارید اجازه به خانه شما ندهند؛ اگر اجازه دادند ایشان را [تنبيهاً] بزنید با زدن که آسایش ظاهر نشود. و از حق زنان بر شماست خوراک و پوشاک با معیشت پسندیده.

۱۱- ترجمه:..ای مردم، شما را از یک مرد و زن آفریدیم و گروه و طائفه گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید؛ شریف ترین در نزد خدا پارسا ترین شماست.

۱۲- ترجمه:..ای مردم، خداوند غرور و خودبزرگ بینی و افتخار جاهلی به آباء و اجداد را از شما زدوده است، پس مردم دو کس اند: نیک سیرت پرهیزگار و محترم در نزد خدا، دومی هرزه یی بد اخلاق و بی ارزش در نزد خدا، مردم فرزندان آدم اند و آدم را خداوند از خاک آفریده است.

چون بسی مردمان از زنده گی تعریف خاصی دارند و به فلسفه جداگانه یی باور دارند؛ اما در کل خشونت یا برخورد های زننده علیه انسان و علیه زن خصوصاً، مشترکاتی دارد که می توان با ارزیابی آنها، به یک تصنیف خردورزانه یی رسید.

در کنفرانسی که از سوی سازمان ملل، به مناسبت رفع خشونت علیه زن از دیدگاه مرتضی مطهری، در سال ۲۰۰۶ م در استانبول ترکیه برگزار شده بود، قطعنامه یی صادر شد که نحوه یا عرصه خشونت علیه زن را چنین توصیف کرد:

”خشونت علیه زن شامل هر رفتار قهر آمیزی است که بالفعل یا بالقوه منجر به آسیب یا رنجش فیزیکی، جنسی یا روانی زنان شود و هر گونه تهدید به اعمال خشونت آمیز، سلب اختیار یا محرومیت اجباری از آزادی مشروع، که در زنده گی عمومی یا در زنده گی خصوصی صورت گیرد، خشونت محسوب می گردد.“ (مطهری؛ ۲۰۰۶: ۲۳)

### بخش بندی - دسته بندی - خشونت علیه زنان

در سندی که ملل متحد تصویب نموده، گونه هایی از عمل کرد خشونت آمیز را علیه زنان برجسته کرده از جمله ضرب و شتم، تجاوز جنسی، تجارت جنسی و...؛ اما صاحب نظران این قضیه، خشونت علیه زن را از ابعاد و جهت های مختلف بررسی نموده اند؛ از جمله خشونت فیزیکی، خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت اقتصادی. از جهت های متفاوت مانند خشونت شریک زنده گی [شوهر] علیه زن، خشونت رشته داران علیه زن، خشونت اجانب غیر خودی علیه زن. (شهلا، ۱۳۹۲: ص ۵)

### انواع خشونت

بر بنیاد ارزیابی های متعددی که صورت پذیرفته، آنچه برخورد خشن علیه زن را در جامعه افغانستان تعیین می کند موارد زیر از میدان های برجسته آن می تواند باشد:

#### ۱. برخوردهای جسمی علیه زن

نقاط برجسته رفتارهای خشن فیزیکی علیه زن قرار زیر است: محروم کردن از دیدار رشته داران و اقربا، کندن و کش کردن موی سر، مقید کردن در خانه، گزیدن جسم به دندان،

بریدن اعضای بدن مانند گوش، بینی، لب، به آتش گرفتن اعضای بدن، مشتش و لگد زن به سر و صورت زن.

گفتنی است که وجود برخورد های خشن علیه زن در جامعه افغانستان، اسباب و علل عدیده می تواند داشته باشد که اهم آن عبارت است از قلت سواد و دانش، دیدگاه محلی و غیر علمی نسبت به زن، نبود فهم درست از نقش زن در جامعه که مادر و مربی نسل آینده است و بالاتر از همه عدم فهم درست از تعلیمات و آموزه های انسان ساز کیش مقدس اسلام.

در حدیث نبوی آمده است:

«... عَنْ حَكِيمِ بْنِ مُعَاوِيَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ زَوْجَةٍ أَحَدَنَا عَلَيْهِ؟ قَالَ: «أَنْ تُطْعَمَهَا إِذَا طَعِمْتَ، وَتَكْسُوَهَا إِذَا اكْتَسَيْتَ، وَلَا تَضْرِبَ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحَ، وَلَا تَهْجُرَ إِلَّا فِي الْبَيْتِ»<sup>۱۳</sup> (النسائی، ب: هجرة الرجل امرأته)

این قول پیامبر اسلام ارشاد برین است؛ از همه مزایای زننده گی بی که شوهر دارد زنش نیز باید بهره مند گردد به اضافه اینکه مرد حق ندارد با لت کوب، دشنام و حرف زشت باعث آزار و اذیت زن خویش گردد.

## ۲. برخورد های روحی و روانی علیه زن

برخورد روحی و روانی عبارت است از تمام حرکات و سکناتی که به نوعی از انواع سبب آزار روحی زن گردد، آسایش وی را مکدر و برای او ایجاد تشویش و پریشانی و افسرده گی کند؛ مانند اینکه شوهر با توهین، تهدید، سرزنش، استهزاء، بی اهمیت جلوه دادن، طعن زدن خود و خانواده وی... همیشه او را دچار اضطراب داشته و سبب آزارش گردد؛ به طور نمونه اگر زن خواست نظری دهد و یا حرفی بگوید شوهر فوری در دهانش پریده می گوید... تودیکر حرف نزن... و تو که ارزش و اهلیت این حرفها و این کارها را نداری نباید خود را به یاد بیاوری و باید همیشه ساکت و خموش باشی و...،

۱- ترجمه: حکیم بن معاویه از پدرش آورده که گفت: یا رسول الله حق همسر ما بر ما چیست؟ فرمود: این که هر چه می خوری به وی بدهی، آنچه می پوشی به وی بپوشانی، به صورتش نزنی، به وی حرف زشت نگوئی، به جز در خانه او را تنها نگذاری.

### ۳. برخورد های خشن علیه زن در زمینه ملکیت و دارایی

در واقع آنچه خشونت مادی و اقتصادی علیه زن نامیده میشود عبارت است از: محروم کردن زن از مهریه، که حق شرعی اوست، محروم کردن زن از حق میراث، که مزیت مسلم شرعی است، محروم کردن زن از منابع مالی، که باید دران حق تصرف داشته باشد؛ مانند هدیه و تحفه خانواده گی و... محروم کردن زن از تمام لوازم زنده گی، که علاقمند آن است؛ مانند نوعیت لباس، جواهرات زینتی، لوازم آرایش و پیرایش در حدودی که شریعت به او حق داده است، در مضیقه قرار دادن زن در ادای مسؤولیت نفقه شرعی که شامل خوراک، پوشاک، مسکن آبرومندانه در حدود توان مرد، و سوء استفاده مرد از دارایی زن...،

به طور نمونه عرض می شود: تاهنوز در بسیاری از بخش های کشور افغانستان، خصوصاً در مناطق روستایی، زن از حق میراث محروم می گردد و حق میراث وی را برادران یا کاکاها و یا پسر کاکاهایش تصاحب می کنند و نیز در اکثریت نقاط افغانستان هنوز زن حق تصرف در مهریه خود را که حق مسلم شرعی وی است ندارد؛ بلکه مهریه زن را یا پدر، یا برادران، یا کاکاها و یا هم رشته داران دیگر آن، تصاحب می کنند. این ها همه مزایای مادی زنده گی است که شریعت اسلام بدون چون چرا برای زن قایل شده؛ اما با وجود آن زن در افغانستان ازین مزایای زنده گی محروم می گردد!

### ۴. برخوردهای خشن اجتماعی علیه زن

آنچه را خشونت اجتماعی علیه زن می نامند عبارت است از جلوگیری زن از حق تعلیم، حق درمان در صورت بیماری، حق آموزش هنرهایی که به شخصیت زن شایسته است، حق داشتن شغلی که مانع شرعی ندارد، حق سفر و سیاحت که در چوکات شریعت برای زن داده شده است و توانایی مرد آن را ایجاب کند. محروم نمودن یا مزاحمت کردن برای زن در داشتن رابطه اجتماعی یا دید و بازدید با محارم و رشته داران نزدیک خانواده گی خود مانند پدر، مادر، برادران، خواهران و... (وزارت حج و اوقاف، ۱۳۸۷: ص ۱۰۴)

### ۵. خشونت جنسی

آنچه به نام خشونت جنسی در رابطه مرد وزن مطرح است عبارت است از ارتباط زناشویی بر اساس قهر و خشم و کار برد زور و این دو بخش دارد: یکی اینکه این رابطه زناشویی بین

مرد وزنی رخ دهد که نکاح شرعی و قانونی قبلی میان شان وجود ندارد؛ چنین رابطه‌یی، چه با رضایت باشد یا نباشد، از دیدگاه اسلام به تمام معنی ناروا و ممنوع می‌باشد که سبب عذاب آخرت نیز می‌گردد. دومی اینکه نکاح قبلی میان مرد وزن وجود دارد؛ اما ذات برقراری رابطه زناشویی توأم می‌باشد با کار برد قهر و غضب. درین جاست که اسلام زن و شوهر را در قبال یکدیگر مسؤول می‌داند و خط مشی هر دو را مشخص کرده است که باید در ادای آن امانت داری را رعایت کنند.

درین پیوند پیامبر اسلام (ص) فرموده است:

”إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضَبًا لَعْنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ“<sup>۱۴</sup> (ابی داود، ۱۳۹۹ق: ب، حق الزوج علی الزوجه)

این بدین معنی است که اگر زن خوشی مرد را به تلخی تبدیل کند در پیش خدا مسؤولیت دارد و مورد لعنت فرشتگان خدا قرار می‌گیرد؛ زیرا وی لحظات محبت و شادمانی را به نا راحتی و عصبانیت تبدیل کرده است.

در مورد کوتاهی مرد نسبت به زن در روابط زناشویی، ابوداود از جابر بن عبدالله آورده است که حضرت رسول (ص) به وی فرمود:

«تَزَوَّجْتَ يَا جَابِرُ؟» فَقُلْتُ: نَعَمْ قَالَ: «بَكَرًا أَوْ ثِيًّا؟». قُلْتُ: بَلْ ثِيْبٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «فَهَلَّا جَارِيَةٌ تَلَاعِبُهَا وَتَلَاعِبُكَ وَتَضَاحُكُهَا وَتَضَاحُكَ؟». قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ تَوَفَّى وَتَرَكَ سَبْعَ بَنَاتٍ أَوْ قَالَ تِسْعَ بَنَاتٍ وَإِنِّي كَرِهْتُ أَنْ آتِيَهُنَّ بِمِثْلِهِنَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ آتِيَهُنَّ بِأَمْرَأَةٍ تَقُومُ عَلَيْهِنَّ فَقَالَ: «بَارَكَ اللَّهُ لَكَ أَوْ قَالَ خَيْرًا»<sup>۱۵</sup> (البیهقی، ب: استحباب تزویج بالابکار)

مفهوم این حدیث چنین است که رابطه زناشوی باید همراه با شادمانی و سرور باشد، در زنده‌گی شادی و فرحت ایجاد کند که پیام آور محبت است. درین رابطه برخورد خشن و استفاده از زور با مفهوم اصلی این حدیث شریف کلاً در تضاد است. بناءً مرد، باید از هرگونه

۱۴- ترجمه: چون مرد همسرش را به بستر فراخواند و او سر باز زند، مرد شب را با خشم و غضب سپری کند، فرشته‌گان، زن را تا هنگام صبح لعنت گویند.

۱۵- ترجمه: رسول الله فرمود: ای جابر آیا ازدواج کردی؟ گفتم بلی یا رسول الله. گفت: دختر گرفتی یا بیوه؟ گفتم: بیوه گرفتم یا رسول الله. گفت: نمی‌شد دختری بگیری که گاهی باهم شوخی می‌کردید و می‌خندیدید! گفتم: با رسول الله پدرم در گذشت و هفت دختر به جا گذاشت دوست داشتم زنی را بیاورم تا سرپرستی شان را کند. گفت خداوند در کار تو برکت دهد.

برخورد قهر آمیز که فضای محبت و شادمانی بین طرفین را مکدر می کند، پرهیز کند و در عوض کوشش نماید تا رفتاری را انجام دهد که سبب محبت و شادمانی و رفع خسته گی ها گردد؛ به طور نمونه زن و شوهر باید الفاظی را با یکدیگر به کار برند که توجه طرفین باهم جذب شود؛ مثلاً عزیز دلم، قربانت شوم، فدایت شوم، تو زنده گی منی، تو امید منی، توشیرینی زنده گی منی، تو درخت امید حیات منی، تو میوه عشق منی، بی تو بودم بی مفهوم است، با تو بودم شیرین است... و در مفهوم حدیث نبوی حتی شوخی های جسمی و فیزیکی هم بین طرفین نیز مطلوب است تا رضایت روحی و روانی هم زن و هم مرد بر آورده شود.

### ۶- خشونت معنوی علیه زنان

آنچه خشونت معنوی نامیده میشود عبارت است از اموری که به باور انسان تعلق دارد و جزو افتخارات اعتقادی یا فرهنگی شخص به شمار می آید. مانند مراسم دینی و مذهبی، مراسم فرهنگی و تاریخی یک شخص؛ به طور نمونه اگر یک مرد مسلمان زن یهودی یا مسیحی داشته باشد از نگاه شرعی هیچ مشکلی ندارد؛ بناءً برخورد تند و یا ایجاد ممانعت جهت محروم کردن زن از اشتراک در مراسم دینی و مذهبی آن و یا هم اجبار کردن زن بر مراسمی که خلاف ارزش های دینی وی باشد، شرعاً و اخلاقاً جواز ندارد.

### ۷- خشونت بهداشتی و صحتی علیه زن

چنانچه مرد نیاز مند صحت جسمی و روانی است، زن نیز نیازمند و مستحق آن می باشد؛ بلکه به خاطر امور طبیعی و فطری، زنان بیشتر از مردان به استفاده از دارو و درمان نیاز دارند؛ چون مسایل بارداری و زایمان مراقبت های بهداشتی جدی را ایجاب می کند. بناءً در صورتی که زن باردار است باید به طبیب دست رسی کامل داشته باشد. این وظیفه شوهر است که این شرایط را فراهم کند. بدبختانه بسیاری مردمان در کشور ما، به ویژه در مناطق روستایی، هیچ اهمیتی به این کار نمی دهند. گاهی به سبب عدم مراقبت های بهداشتی ایام بارداری، که شاید مصرف زیاد هم نداشته باشد، زن ها به بیماری های مزمن کمر دچار می شوند و شاید هم بعد از زایمان دچار فلج در کمر و پاها شوند و نیز بسا اوقات رخ می دهد که با خونریزی های عادی

پس از زایمان زن‌ها تلف می‌شوند و اعضای خانواده شوهر هم بی تفاوت هستند. بسا اوقات می‌شود که برخی زنان هنگام زایمان خون زیاد ضایع می‌کنند که به جسم شان ضربه می‌خورد، اطبا نیز توصیه می‌کنند که چنین زنانی یا باید دیگر زایمان نکنند و یا هم باید چندسال فاصله بین دو زایمان باشد تا سلامتی از دست رفته خود را باز یابند؛ اما بدبختانه خیلی خانواده‌ها خصوصاً شوهرها این توصیه‌ها را نمی‌پذیرند. در نتیجه این زایمان‌های پی در پی سبب بیماری مزمن یا هم سبب تلف شدن زنان می‌گردد.

این کار صراحتاً با نص صریح قرآن کریم مخالفت دارد. حضرت باری می‌فرماید: “وَلَا تَقْلُوبُوا بِلَايِدِكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ”<sup>۶</sup> (بقره: ۱۹۵) برخی مردها در صورتی که زن شان دختر می‌زاید، سخت برانگیخته می‌شوند و حتی مرتکب توهین و تحقیر می‌گردند و تهدید می‌کنند که اگر باردیگر دختری به دنیا آورد او را از خانه اخراج خواهد کرد؛ در حالی که پسر بودن یا دختر بودن جنین در شکم مادر از اختیار زن بیرون است؛ بلکه در اختیار آفرینش خداوند است.

به اتفاق تمام اهل تحقیق، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، نطفه تولید مثل در منی جنس مذکر است نه در جنس مؤنث...

تصوری این چنانی که زن را در چنین حالتی مقصر بداند و توهین و تحقیر کند و اسباب آزارش را فراهم کند، از یک مسلمان واقعی، که به اسلام ایمان دارد، به دور است؛ بلکه این کار صریحاً مخالفت با خواست خداوند متعال به شمار می‌رود.

درین پیوند خداوند میفرماید: «لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا ثَوَابٌ لِّمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ، أَوْ يَزَوْجَهُمْ ذُكْرًا وَإِنَّا وَبِجَعْلٍ مِّنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»<sup>۱۷</sup>

(شوری: ۴۹-۵۰)

## عوامل و اسباب خشونت علیه زن

خشونت علیه زن شاید اسباب فراوان داشته باشد؛ چون ممکن است تمام حرکات و سکنات مرد و زن سبب برخورد خشن در زنده گی مشترک گردد. درین گفتار ما به چند علت مهم اکتفا می کنیم

۱۷- ترجمه: ملکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست، می‌آفریند آنچه بخواهد، به هر کس خواهد دختر می‌بخشد و به هر کس که خواهد پسر، یا هم دختر و پسر را بهم بکلام دهد، و هر کس را که خواهد هک "عقم" می‌گرداند، خداوند دانا و ته‌اناست.

### ۱. بیسواد یا کم سواد جامعه

گفتنی است که راه و رسم زنده گی، مجموعه یی از میراث مشترک انسانی به شمار می رود. ارزش های پسندیده جامعه بشری یک شبه ایجاد نشده است؛ بلکه هزاران سال را پیموده تا بدین جا رسیده که انسان امروز در صحت و سقم سلیقه ها و ارزش های زنده گی مشترک تحلیل ها دارد. جامعه یی که سواد کافی نداشته باشد، نمی تواند از ارزش های پسندیده زنده گی انسانی تحلیل درستی داشته باشد. اینجاست که مشکل ایجاد می شود؛ زن می خواهد همان گونه زنده گی کند که در خانواده خودش دیده است؛ اما مرد می خواهد زنش طوری زنده گی کند که وی در خانه و یا در محله خود دیده است؛ پس بنا به این تحلیل، بیسواد در زنده گی مشترک مشکل را دامن می زند در نتیجه اسباب برخوردهای خشن فراهم می گردد. البته درین جا بیشتر زنان قربانی این نادانی های خشونت بار هستند.

### ۲. بی خبری یا درک نا درست از دستورات اسلام

مردم ما ۹۹٪ مسلمان هستند؛ اما بیش از ۹۰ درصد در بی خبری مطلق از اسلام بسر می برند. مردمی که اکثریت مطلق شان بی سواد اند، چطور می توانند بفهمند که دستورات اسلام در زنده گی مشترک چیست. اینجاست که اکثر مردم دستورات اسلام و رسم و رواج مردمی را باهم خلط کرده اند؛ یعنی هر آنچه پسند خانواده گی داشته باشد همان قانون شرعیست و اگر نداشته باشد خلاف اسلام پنداشته می شود.

حقیقت است اگر مردم دستورات اسلام را درست درک کنند؛ پس مرد وزن حقوق شان نسبت به یکدیگر مشخص و هرگز این برخوردهای خشونت آمیز موجود رخ نمی دهد. پیامبر اسلام فرمود: "خِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ خُلُقًا" (ابن ماجه، ب: حسن المعاشرة) ترجمه: بهترین شما خوش اخلاق ترین شما نسبت به زنان شان هستند.

### ۳. غریزه انسانی

برخی برانند که خشونت یا برخوردهای خشونت آمیز میان مرد و زن امریست غریزی و فطری که من حیث رمز بقا و دفاع در انسان سرشته شده است؛ اما این رمز نسبت به جنس مؤنث، در جنس مذکر قویتر است.

پژوهش گران برانند که پرخاش از بهر بقا و دفاع رمز نیست که در همه موجودات زنده از

پرنده تا خزنده وجود دارد. این رمز بقا و دفاع بیشتر در موجودات مذکر است. همین است که هنگام پی گیری تولید مثل حمله و هجوم از سوی مذکر رخ می دهد؛ هنگام جفت گیری، این جنس مذکر است که برای تصاحب مؤنث و رسیدن به هدف با هم می جنگند و بعد مذکر غالب مؤنث را تصاحب می کند؛ پس انسان مذکر هم ازین قاعده است. اگر هم مرد نسبت به زن برخورد خشن دارد ازین منشا طبیعی و فطری سرچشمه دارد؛ اما شکی نیست که نحوه تربیه و پرورش خانواده گی و اجتماعی در روحیه انسان ها در حجم برخورد های خشونت آمیز تأثیر انکار ناپذیر دارد.

#### ۴. فقر و محرومیت

این موضوع دو بعد دارد، نخست، برخوردی که سبب فقر و محرومیت می گردد در زمره اعمال خشونت در شمار است. دوم، خود محرومیت کشیدن روحیه برخورد خشونت آمیز را در نهاد انسان ها پرورش می دهد.

گفتنی است، کسانی که محرومیت می کشند، هنگام به دست گرفتن اختیار عقده کشایی می کنند. نمونه روشن آن جنبش طالبان در افغانستان است. ایشان از طبقه محروم جامعه بوده اند؛ هنگام درس خواندن در مساجد همیشه با نان خیرات و پول صدقات زنده گی می گردند و از همه مزیت های زنده گی محروم بودند. ای چه بسا اوقات طالبان از طرف طبقه مرفه جامعه توهین و تحقیر هم می شدند؛ اما چون اختیار به دست شان رسید دمار از روزگار اکثریت جامعه بر آوردند؛ هرگاه بهانه یی پیدا می شد هم زنان را لت کوب می کردند و هم مردان را. طبق قانون نا نوشته مجازات طالبان، اگر یک نفر تخطی انجام می داد، که مستحق پنج ضربه شلاق تعزیری می شد، وی را آن قدر تازیانه می زدند تا خسته می شدند و اگر از کسی تخطی سر می زد که طبق قانون تعزیری طالبان سه روز حبس می شد؛ وی را شاید طبق سلیقه، یک هفته یا دو هفته در بازداشت نگاه می داشتند و اگر هم دل شان می خواست بعد از خروج از حبس، رویش را سیاه کرده در بازار می چرخاندند.

#### ۵. مشکل اقتصادی و اجتماعی

باور برخی برین است عناصری که به قوت و ضعف جامعه شکل مثبت یا منفی می دهد،

در کارگزاری خشونت سهم بارزی دارند؛ مانند نبود شغل مناسب، پرورش نادرست زمان کودکی، فقر و مستمندی، بیسوادی، نبود امنیت که موجب هرج مرج، فراگیر جهل اجتماعی، بی نظمی خانواده گی در اثر جدایی زن و شوهر به وجود می آید. (شهلا؛ ۱۳۹۲: ۲۰۹)

## ۶. تأثیرات سوابق زنده گی

گفتنی است که خشونت در زنده گی انسان همیشه از صفر آغاز نمی شود. خواه مخواه کنش و واکنش هایی در کار می شود تا برخورد خشونت آمیز رخ می دهد. بناءً با مطالعه دقیق درمی یابیم کسانی که در خشونت در ایام بلوغ شهره گشته اند، آثار و عناصری درین زمینه از ایام کودکی باخود داشته اند؛ به طور مثال:

۱- در حوادث تلخ چند دهه اخیر در افغانستان، کسانی که سلاح به دست شان رسید و در جنگ ها و قتل عام های خشونت آمیز شهره شدند؛ چه در طرف مجاهدین، چه در طرف ملیشه های کمونیست، چه در طرف طالبان... همه و همه عقده های سابقه داشته اند؛ یا یتیم و بی پدر و مادر بزرگ شده و مردود جامعه بوده اند، یا از طبقات پایین جامعه بودند که در گذشته طبقه بالای جامعه از آن ها بهره کشی هایی کرده بودند.

۲- آورده اند که ادولف هیتلر، رهبر آلمان نازی، در نوجوانی می خواست هنر نقاشی بیاموزد؛ اما پدرش وی را جبراً به مدرسه فنی فرستاد؛ ولی نتیجه نداد. هیتلر در ۱۳ سالگی پدر را از دست داد و در ۱۷ سالگی مادر را. مدتی را در تهیدستی و مزدوری در خانه دیگران سپری کرد. گویند چون هیتلر بزرگ شد تولید مثل نمی کرد. به طیب مراجعه کرد. طیب گفت که رگی از بخش خلفی سرش قطع شده که وی را برای همیش عقیم ساخته است. هیتلر به یاد آن افتاد که هنگام تهیدستی در خانه یک یهودی خدمت گار بوده و آن یهودی باری وی را به طیب برده بود تا آن رگ پشت جمجمه سرش را قطع کند؛ چون یهودی دختری جوان در خانه داشت و می ترسید که با وجود هیتلر دخترش باردار شود. بناءً چنین کرده است.

۳- گویند که صدام حسین حاکم مستبد سابق عراق، در میان رهبران جهان در خشونت شهرت داشت. وی در ۷ سالگی تفنگچه به دست گرفته بود و در ۱۱ سالگی نفری را کشت؛ پس می توان گفت که تربیت کودکی صدام با حس خشونت آمیز وی رابطه حتمی داشته است.

۴- مرحومه پروین اعتصامی، معروف ترین شاعر نقاد اجتماعی معاصر، پس ازدواج تنها دوماه خانه داری کرده و بعد از دوماه از شوهرش جدا و در جوانی (۳۵ سالگی) جوان مرگ شده است؛ گویند که شوهر پروین فرمانده نیروهای امنیتی یکی از شهرها بوده و شخصی با خوی و عادت نظامی، که همیشه باوی برخورد خشن داشته است؛ چون کسانی که با اخلاق نظامی گری تربیه شوند که به خودی خود خشونت زا است، چطور می توانند با کسانی زنده گی مسالمت آمیز داشته باشند که روحیه لطیف و شاعرانه داشته اند.

#### ۷- تکرار حضوری واقعات خشونت آمیز

کودکان و نوجوانان که حادثات تلخ خشونت بار را در محل زنده گی، در خانه و خانواده، خصوصاً در زنده گی مشترک والدین به طور مکرر می بینند، در روحیه شان تأثیر می گذارد؛ پس در بزرگسالی برخورد خشن به عنوان رسیدن به هدف و یا به عنوان وسیله کسب امتیاز، برای شان امر عادی به نظر می رسد. بناءً چرخه خشونت از خانه یی به خانه یی و از نسلی به نسلی دیگر دست به دست می شود.

#### ۸- نبود طرز العمل و یا کاستی قانونی در جلوگیری از خشونت

این موضوع سه بعد دارد:

نخست، نبود لوایح قانونی جهت پیکار با مشکل و یا هم ضعف اصولی لوایح پیرامون ارزیابی مشکل خشونت و نحوه مقابله با آن. دوم، عدم آشنایی مردم با فواید قانون مداری در جامعه؛ چون قربانی نداند که فواید قانون مداری چیست و مجرم هم نداند که مجازات تخطی قانونی چیست؛ پس راه خشونت ادامه می یابد!

سوم، فرهنگ شدن قانون شکنی؛ هرگاه در کشوری مسلمان که نفر اولش دست بر قرآن گذاشته به نام خدا سوگند می خورد که مسؤولیت خود را در حفاظت، حمایت و اجرای قانون انجام می دهد و هیچ کوتاهی نمی کند؛ سپس خودش ۴۷ مورد صریح قانون را زیر پا می کند؛ این خود چراغ سبزی است به دست قانون شکنان. همین است که قاتل مردم با فیصله محاکم ثلاثه محکوم به ۲۵ سال حبس می گردد و به زندان فرستاده می شود؛ اما بعد از یکی دو ماه

آزاد و شاید هم یک پست مهم امنیتی به وی سپرده می شود! این ها همه دلایل فرهنگ شدن قانون شکنی است که سبب رشد بی رویه خشونت می گردد.

## پیامد و نتایج موضوع

### ۱- خشونت در خانه

از آنچه در بخش نخست گفته آمد، دانستیم که خشونت میادین گوناگون دارد. اکنون و در انجام برآیند تا خشونت واقعی را در خانه بررسی کنیم که هسته اصلی جامعه را تشکیل میدهد. آنچه در خشونت خانگی در تصور و در میدان عمل شناخته شده، چند بعد دارد: خشونت روانی، خشونت فیزیکی، خشونت اقتصادی.

۱- برخورد روانی علیه زن: هرآن عملی است که شخص زن را روحاً آزرده و ناراحت کند؛ مانند توهین، تحقیر، زشت زبانی کردن، پشت پا زدن به خواسته های مشروع زن....  
حضرت پیامبر (ص) فرمود:

”...وَلَا تُضْرِبَ الْوَجْهَ، وَلَا تُقَبِّحْ، وَلَا تَهْجُرْ إِلَّا فِي الْبَيْتِ”<sup>۱۸</sup> (النسائی، ب: هجرة الرجل امرأته)

۲- برخورد فیزیکی علیه زن: لت کوب، شکستن استخوان بدن، بریدن اعضای بدن؛ مانند گوش، لب، بینی، حبس خانگی، سوزاندن جسم، محرومیت از دیدن اقربا و... همه این ها از خشونت خانواده گی در شمار است.

۳- برخورد خشن اقتصادی علیه زن: محروم کردن زن از حق مالکیت شخصی و یا حق خدادادی، چیزی که اسلام به آن ارج گذاشته است؛ مانند حق میراث، حق پیشکش یا مهریه، حق آزادی زنده گی در چوکات اخلاقیات اسلامی (یعنی زن یک زندانی یا برده نیست) این ها همه توسط کسانی انجام می گیرد که متعلق به یک خانه یا خانواده مشترک اند: از جمله شوهر، برادر، پدر، کاکا، فرزندان کاکا...؛ به طور مثال: میراث زن را برادرانش به وی نمی دهند یا هم کاکا و پسران کاکا وی را از میراث پدرش محروم می نمایند یا هم پیشکش و مهریه توسط پدر یا برادران و یا هم توسط اقربای نزدیک خانواده تصاحب می گردد....

خداوند فرموده است: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَكِنْ تَعْضِلُوهُنَّ لَتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ..."<sup>۱۸</sup> (النساء: ۱۹)

این موارد فوق الذکر خشونت‌هایی که علیه زن به کار می‌رود، نابخشودنی و از دیدگاه اسلام به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست. ناگفته نماند که در جامعه ما، مردان ازین برخوردهای خشونت آمیز خانوادگی مستثناء نیستند؛ بسا اوقات می‌شود که پسر بچه‌ی که پدر را از دست داده است، مال میراثش توسط اقربا حیف و میل می‌گردد و چون به سن رشد رسد می‌بیند که از دارایی هنگفت پدر هیچ برایش نمانده است و نیز بسا اوقات شده که نوجوانی تازه به رشد رسیده علاقمند ازدواج می‌گردد، می‌بیند که اختیار از دستش رفته شده؛ پیش از پیش پدر یا برادر بزرگتر و یا هم کلان خانواده دختر فلانی را برایش عقد و نکاح کرده اند و اگر هم مخالفت کند چند سیلی آبدار نثار چهره اش می‌گردد و یا هم از خانواده طرد می‌شود.

آنچه در ذیل این بحث باید بدان توجه شود، معضله اساسی در خشونت خانواده‌گی، روانی شدن فرد خشونت زده است؛ یعنی آنچه انسان در خانواده تجربه کرده است برای همیشه در روحیه اش می‌ماند که در نتیجه اثرات آن به فرزندانش نیز به طور ارثی انتقال می‌نماید؛ پس جامعه این پدیده منفی را نسل اندر نسل به ارث خواهد برد!

### پیامدهای درد آور برخوردهای خشن خانواده‌گی

پیامدهای تلخ خشونت خانواده‌گی چند بعد دارد: پیامدهای عمومی، پیامدهای تأثیر گذار بر زنان باردار، پیامدهای منفی تأثیر گزار بر روحیه نوجوانان و کودکان.

پیامدها از قرار زیر است:

۱- پیامدهای تلخ به طور عام:

- اضطراب و افسرده‌گی‌های روحی و روانی، توأم با ناامیدی از آینده زندگی؛
- نقص و معیوبیت‌های عضوی، در اثر خشونت‌ها و لت و کوب ایجاد شده؛
- زنده‌گی هراس زده توأم با عقب مانده‌گی در نوآوری و عدم تمرکز ذهنی؛

۱۸- ترجمه: ..به صورت زنت زن، حرف زشت به زنت نگو، و از زنت به جز در خانه فاصله نگیر)

۱۹- ترجمه: ..ای اهل ایمان، جایز نیست که زنان را میراث کنید، و روا نیست که زنان را مجبور کنید تا از آنچه دارند

بگذرند..

- ایجاد تصور پناه بردن به مواد مخدر جهت تسکین نا آرامی‌های روحی و پریشانی‌های ذهنی؛
- ایجاد اضطرابات گوارشی و سوء هضم در معده؛
- دست زدن به خود سوزی و خود کشی توسط زنان به عنوان جان خلاصی از عذاب زنده گی؛
- ۲- پیامدهای تلخ برخوردهای خشونت آمیز در زنده گی زنان باردار
- سقط جنین در اثر برخوردهای خشونت آمیز مانند لت و کوب و رعایت نکردن نیازهای بهداشتی؛
- ولادت‌های ناقص نوزادان به سبب آسیب فیزیکی ایام حمل و یا عدم رعایت بهداشت لازم؛
- ایجاد بیماری‌های مزمن برای زنان باردار مانند کمر درد، پادرد و درد زهدان؛
- خون ریزی‌های خطرناک در مجاری تولید مثل، که در بسا اوقات سبب آسیب‌های ماندگار و یا هم موجب هلاکت زنان می‌شود؛
- عفونی شدن مجاری تولید مثل یا زهدان، که گاهی سبب لزوم جراحی و یا عقیم شدن زنان می‌گردد؛
- افزایش مرگ و میر و تلفات نوزادان یا مادران در هنگام زایمان و یا هم پس از زایمان؛
- ۳- پیامدهای تلخ و درد آور اثرات خشونت بر کودکان و نوجوانان
- ایجاد احساس کمبودی و حقارت در کودکان، به سبب سرکوب شدن و بی اهمیت جلوه داده شدن؛
- ایجاد احساس شرمنده گی در نزد دیگران به سبب ناتوان جلوه داده شدن؛
- گرایش به مواد مخدر جهت آرامش اضطراب‌های روحی؛
- بروز عقب مانده گی‌های ذهنی و عدم توانایی برای آموختن معلومات جدید؛
- ایجاد مشکلات در دستگاه گوارش و برهم خوردن جهاز هاضمه؛
- ایجاد حس ضعف، حس ناتوانی، حس حقارت و خود کم بینی، به سبب سرکوب شدن خودی در روحیه کودک و نوجوان؛

### سنت افغانی و خشونت علیه زن

شاید یکی از شاخصه‌های جامعه افغانی سنتی بودن آن است. به باور برخی‌ها سنتی بودن جامعه یک امتیاز در شمار است یا بهتر بگوییم سنتی بودن دلالت بر اصالت و شاخصه هویت متین جامعه پنداشته می‌شود؛ چون جامعه اصیل به سوی نوآوری حرکت کند عموماً پیامد قویتری دارد؛ اما باید گفت که این پایان حرف نیست؛ جامعه سنتی چنانچه مزایا و خوبی‌هایی دارد در بسا موارد دست کند های خطرناکی نیز دارد که در مسیر حرکت زنده گی نتایج تلخی هم به جا می‌گذارد. اگر به افغانستان نظر اندازیم در می‌یابیم که تسلط و سیطره فرهنگ ساده اندیشی زنده گی به معنی خشن و افراطی آن، که گاهی هم رنگ دینی یا مذهبی به آن داده می‌شود، نتایج تلخ و ناگواری را به بار می‌آورد. البته این تلخی‌های ناگوار بیشتر قربانی‌های خود را از میان زنان انتخاب می‌کنند؛ به ویژه دختران نوجوان که پا به عرصه زنده گی و انتخاب می‌گذارند؛ قربانی اساسی این ماجرا هستند و نیز کمال مطلوب بهر ایشان این باشد که در مقابل خواست‌های خشونت بار مردها تسلیم شوند و بس. اگر هم مقاومت کنند باید منتظر خشونت سخت‌تری باشند.

نمونه‌های روشن و امروزی خشونت در کشور ما فراوان است از قبیل شاید در هلمند، قندهار، ارزگان، پکتیا، پکتیکا و...، استثنایی باشد، که بشنوید مردی در حق زنش و یا دخترش برخورد خشونت آمیزی انجام داده باشد؛ اما بر عکس شاید خیلی موارد شنیده یا دیده شود که در هرات، بلخ یا کابل مردی زنش را کشته یا عضوش را قطع کرده و یا هم زن به خاطر برخورد خشونت آمیز پدر، برادر و یا شوهرش خودکشی کرده یا خود را آتش زده است؛ چون در سر زمین‌های قبل الذکر زن تسلیم است و نه خودش به خود حقی قایل است و نه هم جامعه اختیاری برایش داده است؛ اما در اقلیم‌های بعد الذکر، هم خود زن و هم درصد مشخصی از جامعه، برای زن حق اظهار رأی و یا حق دفاع از خود را قایل شده است. در نتیجه، زن در مقابل خشونت از حق خود دفاع و از خود مقاومت نشان می‌دهد. بناءً سر و صدا بلند می‌شود یا هم گاهی خشونت به مصیبت بدتری می‌انجامد؛ مثلاً: شاید بسیار رخ دهد که در هرات یا در کابل پدری دخترش را به اقربای خود به نکاح بدهد؛ اما دختر به صراحت بگوید که من قبول ندارم؛ چون وضعیت این شخص با آینده زنده گی من سازگار نیست؛ اما چنین

چیزی در پکتیا و هلمند شاید امری غیر ممکن و یا استثنایی باشد.

باید گفت که این سنت با این شکل کذایی آن، که زن باید مقابل خواست مرد حقی نداشته باشد و یا هم اگر از حق مشروع خود دفاع کند باید عضوش بریده و یا کشته شود، نه اینکه به اسلام ربطی ندارد؛ بلکه صراحتاً با اسلام در تضاد است، کجاست آن قول رسول الله که گفت: در باره زنان از خدا بترسید، کجاست فرموده آن حضرت (ص) که فرمود: بهترین شما خوش رفتار ترین شما با زنان شان هستند! چه شد ترس از خدا در باره زنان، چه شد خوش رفتاری با زنان!

درست است که اسلام زن را مکلف کرده تا از شوهرش در زنده گی مشترک اطاعت کند؛ اما اطاعت باید در حد توان زن باشد، اطاعتی که حق انسانیت زن زیر پا نشود.

چندی پیش، در یکی از گزارش های سازمان بهداشت جهانی ذکر شده بود که یکی از مهاجرین افغانی که زن و فرزندانش را در سوئد کشته بود، حاضر به همکاری با محکمه و مقامات قضایی نشد؛ زیرا باور داشت که دستگاه قضایی سوئد حق سوال کردن در باره ارزش های فرهنگی او را ندارد. او زن خود را به علت سوء ظن و مشکوک بودن به رابطه وی با مرد دیگری به قتل رسانده بود. او در مورد قتل کودکان خود گفته بود که وجود کودک بدون مادر غیر قابل تصور است. (شها؛ ۱۳۹۲: ص ۱۰)

چنین برخوردی نسبت به زن و فرزندان از صفر آغاز نشده است؛ اگر این قضیه را از جنبه خاص خودش بیرون نماییم، آنچه که این ماجرا یا نوع برخورد با زن، فرزند و هم با محاکم را قابل توجه می سازد، این است که این رفتار تعبیری است از یک فرهنگ و یا اعتقاد و روش عمومی. ممکن است بسی افراد، که از این ماجرا اطلاع یابند، آن مرد را حق به جانب بدانند و شاید هم بدون درک واقعیت قضیه، حتی او را تحسین و عمل کرد او را ستایش کنند. گفتنی است که این یک فرهنگ عام پسند گردیده که اگر مرد حتی به اشتباه تصور کند که زنش گناه کار است می تواند او را به قتل رساند؛ اما کسی نیست که بگوید اگر مرد مرتکب چنین لغزشی یا گناهی شد کیفرش چه می شود؟

قابل ذکر است که وجود برخورد خشونت آمیز در جامعه افغانی عموماً و خشونت علیه زن به طور خصوص، پدیده یی نیست که نیاز به اثبات داشته باشد؛ بلکه رفتار خشن با زن،

بامرد، با کودک و حتی با حیوانات مانند امری عادی تلقی می‌شود؛ به طور مثال اگر فرض کنیم که مار یک حیوان موزی و کشنده است از نگاه اسلام کشتن آن جایز است؛ شاید عادی باشد که در عوض کشتن مار به وسیله آلت قاتله، او را توسط مواد آتش زا بسوزانند و عذاب کش کنند، که شرعاً ناروا است.

پیامبر اسلام درین پیوند فرمودند:

”إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ وَلِيُحْدِثَ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ وَلِيُخْرِجَ ذَبِيحَتَهُ“<sup>۲۰</sup> (الدارمی، ب: النهی عن مثله الحيوان)

مفهوم حدیث پیامبر اسلام می‌رساند که: مؤمنین موظف اند تا اگر انسانی محکوم به مرگ قصاص یا تعزیر شد، باید به طریقه نیک کشته شود نه اینکه عذاب گش شود، و اگر کسی حیوانی را قصد ذبح دارد باید آن را به طریقه آسان ذبح کند و کارد خود را تیز کند تا جان حیوان به راحتی خلاص شود.

اسلام در کل به کرامت انسانی ارزش فوق العاده قایل بوده؛ چه در احکام حقوقی و چه در دستورات اخلاقی خویش احکام و بیانات بسیار ارزنده و مورد حفظ کرامت بنی آدم علی الخصوص زن و رعایت حقوق زنان دارد که خشونت را با تمام انواع و اشکال آن علیه زن ممنوع قرار داده است؛ چنانچه خداوند می‌فرماید:

”يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ“<sup>۲۱</sup> حجرات: ۱۳

خداوند درین آیت مساوات و پیوند نسبی میان زن و مرد را مقرر داشته و هردو را به لفظ ”ناس“ که شامل همه افراد انسانی است، خوانده است که همه را از یک پدر و مادر آفریده و هردو نسبت به هم شیفته و همتا به حساب می‌آیند.

پیامبر (ص) اسلام فرموده است:

”... إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ“ (بیهقی، ب: المرأة تری فی منامها). ترجمه: ... زنان

همتای مردان اند.

۲۰- ترجمه: خداوند نیکی را بر هر چیز نوشته است؛ چون گشتید به طریقه نیک بکشید، چون ذبح کردید به طریقه نیک

ذبح کنید، باید تیغ خود را تیز کنید تا ذبیحه-قربانی خود را راحت کنید.

و هم چنان اعلامیه اسلامی حقوق بشر در ماده نوزدهم بند (الف) چنین می نگارد:

تمام انسان‌ها از نظر اسلام باهم مساوی و برابر اند، مردم در برابر شرع مساوی هستند در این امر حاکم و محکوم نیز با هم برابر اند.<sup>۲۲</sup>

در اسلام وجود زن و مرد یک حقیقت ثابت شده، واحد و مکمل همدیگر می‌باشند. لذا هرگونه برخورد خشونت بار و خلاف اخلاق اسلامی تحت عناوین عرف، عنعنات و یا رواج‌های قومی و منطقوی در حقیقت مخالفت با اسلام است؛ پس آن‌هایی که دست به ارتکاب به همچون اعمال ناشایسته می‌زنند مطابق احکام اسلامی مورد مجازات قرار می‌گیرند. به صراحت گفته می‌توانیم که اسلام اولین و آخرین پایگاه است برای دفاع از حقوق بشر، به خصوص حقوق اساسی زنان در جامعه بشری.

### راه‌های کاهش خشونت

راه‌های کاهش خشونت باید با توجه به عمل کرد، انتخاب و مورد اجرا گذاشته شود. سیاست‌های کلی اتخاذ شده جهت خشونت زدایی از خانواده‌ها و جوامع می‌تواند موارد زیر را در بر گیرد:

۱- آشنا نمودن خانواده‌ها با واقعیت‌های جامعه از طرق مختلف:

- خطبا و واعظین مساجد؛

- رسانه‌های همه گانی، به ویژه رسانه‌های صوتی و تصویری؛

- تبلیغ موضوع از راه مراکز فرهنگی - آموزشی و نهادهای تحصیلات عالی؛

- به کار گماری نیروهای امنیتی و نظم عامه؛

- فعالیت واقعی محاکم و دستگاه‌های عدلی و قضایی نسبت به موضوع؛

۲۱- ترجمه: ای مردم شما را از یک مرد و زن آفریده ایم و شما را گروه و قبایل گردانیدیم تا یک دیگر را بشناسید؛

بهترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

۲۲- اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مصوب ۱۲ محرم ۱۴۱۱ ه. ق

- تشکیل مراسم و کنفرانس های علمی در مورد بحث و آسیب شناسی موضوع؛
  - نشر و چاپ مجلات و کتاب های مختصر و مفید جهت علاج موضوع؛
  - سهم گیری مراجع تقنینی در تصویب قوانین به ویژه حل مشکل خشونت علیه زن؛
  - ۲- همگانی کردن موضوع خشونت در بین جامعه با ارزیابی های مختلف و نتایج تلخ این پدیده؛
  - ۳- طرح تعلیمات فراگیر پیرامون حقوق بشر اعم از زن، مرد و کودک و پیگیری قضایایی عدلی نسبت به آن در روشنی شریعت اسلامی؛
  - ۴- محو بیسوادی از جامعه، خصوصاً قشر اناث جامعه که بیشتر ازین مشکل رنج می برند؛
  - ۵- جلوگیری از ازدواج کودکان که به سن تکلیف نرسیده اند؛
  - ۶- ترویج فرهنگ مشارکت در خانواده ها در عوض شخص محوری سنتی؛
  - ۷- اهتمام جدی به لوايح که بتواند از حق زنان و کودکان دفاع درست کند؛
- البته بران نیستیم که با اجرا آت برخی پیشنهادات عمده مشکل یک شبه حل می شود و جامعه از سعادت ابدی برخوردار می گردد؛ زیرا چنین کار اگر قرار بود می شد باید در کشورهای توسعه یافته هیچ خشونت نمی بود؛ اما چنین نیست. البته می توان گفت که حل مشکل خشونت زمان گیر است؛ تنها با سعی و تلاش پیگیر می توان بیشتر به کاهش خشونت امید وار شد.

### نتیجه بحث

در انجام، باید متذکر شد که مشکل خشونت در کشور ما بیشتر مشکل اجتماعی و سنتی است؛ حل این مشکل زمان گیر است، باید تمام نهاد های ذیربط با تمام داشته های خود بسیج شوند. چنانچه قبلاً متذکر شدیم، افغانستان یک کشور اسلامی و مردم آن به اسلام احترام کامل

دارند، گرچه به تفصیلات آن ماهر نیستند؛ پس یگانه راه موفق جلوگیری خشونت در جامعه آگاه کردن مردم از آموزه های اسلامی، خصوصاً در میدان اخلاق، حرام و حلال و پیوند دادن موضوع به گناه و ثواب آخرت است؛ البته با استفاده از تجارب جوامع انسانی دیگر نتیجه کار قوی تر و مفید تر خواهد گردید. درین راستا مراکز علمی و فرهنگی، محلات و مراسم تجمع مذهبی و دینی، مساجد و آموزشگاه مدارس دینی در مجموع، علمای کشور به صورت خاص آن می توانند نقش کلیدی را در رشد فکری مردم به ویژه در حوزه حقوق و رفتار نیک با زنان و در کاهش رفتار حسن اجتماعی در خصوص رفتار خشونت آمیز علیه زن نقش ایفا کنند.

### مآخذ

#### ۱- قرآن کریم

- ۲- ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه القزوينی. (ب ت). **جامع السنن**. ترقیم محمد فواد عبدالباقی. دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۳- النسائی، حافظ ابی عبدالرحمن، احمد بن شعیب. (ب ت). **جامع السنن**. قاهره: ط: الثانية. مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- ۴- ابو داود، سلیمان بن اشعث ابن اسحاق السجستانی. (۱۳۹۹هـ - ق). **جامع السنن**. المطبوع علی متن عون المعبود لابن الطیب محمد شمس الحق العظیم آبادی. ط: الثالثة، نشر: المكتبة السلفية.
- ۵- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل. (ب ت). **جامع الصحيح**. مطبوع علی متن فتح الباری لابن الحجر العسقلانی. ترقیم محمد فواد عبدالباقی. المكتبة السلفية.

- ۶- بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین. (ب ت) **السنن الکبری**. بیروت: دارالفکر.
- ۷- ترمذی، ابو عیسی محمد بن سوره. (۱۳۹۸ هـ.ق). **جامع السنن**. تحقیق و شرح احمد محمد شاکی و غیره. ط: الثانية. قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، القاهرة.
- ۸- دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام الدارمی. (ب ت). **سنن الدارمی**. نشر دار احیاء السنن النبویة.
- ۹- شهلا، فرید. (۱۳۹۲). **خشونت علیه زن**. کابل: چاپ سوم. مطبعه نعمانی.
- ۱۰- مسلم، ابی الحسین بن حجاج النیشابوری. (۱۳۷۴ هـ.ق). **جامع الصبح**. ترقیم محمد فواد عبدالباقی. قاهره: ط الاولى. نشر احیاء الكتب العربیة ..
- ۱۱- مطهری، مرتضی. (۲۰۰۶). **چرا زنان خشونت را تحمل می کنند**. سازمان ملل متحد. چاپ اول. انتشارت تحقیق.
- ۱۲ وزارت ارشاد و اوقاف. (۱۳۸۷). **اسلام و خانواده**. کابل: انجمن خانواده افغان.